

تابستان دیوانه



رمانهای تابستان

تابستان تابستان

تابستان تابستان تابستان

تابستان تابستان تابستان

تابستان تابستان تابستان

تابستان تابستان تابستان تابستان

تابستان تابستان تابستان تابستان

تابستان تابستان تابستان تابستان

تابستان تابستان تابستان تابستان

تابستان تابستان تابستان تابستان

تابستان تابستان تابستان تابستان

تابستان تابستان تابستان تابستان

تابستان تابستان تابستان تابستان

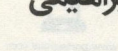
تابستان تابستان تابستان تابستان

تابستان تابستان تابستان تابستان

تابستان تابستان تابستان تابستان

ریتا ویلیامز گارسیا

بیتا ابراهیمی



ابره‌های کاسیوس کلی

خدا را شکر که هواپیما کمر بند ایمنی داشت و قبل از این که از زمین بلند شود سفت آن‌ها را بسته بودیم. بدون کمر بند، همان تکان آخر کافی بود که وُنتا^۱ را پرت کند به مدار زمین و فرن^۲ را پرت کند ته ردیف بین صندلی‌ها. البته من خودم و خواهرهایم را تا جایی که می‌توانستم محکم نگه داشته بودم که جلوی هر اتفاق ممکنی را بگیریم. ابرها هنوز دور و برمان بودند و مثل کاسیوس کلی^۳ از چپ و راست به بدنه‌ی بویینگ ۷۲۷ مشت می‌زدند. وُنتا جیغی کشید، بعد شستش را فرو کرد توی دهانش. فُزن دست پلاستیکی صورتی‌رنگ خانم پتی کیک^۴ را می‌جوید و من ناله‌ام را در خودم حبس کرده بودم. همین که دل و روده‌ام مثل یک آکاردئون زهوار در رفته کش می‌آمد و جمع می‌شد کافی بود؛ لازم نبود دیگران بفهمند چه قدر ترسیده‌ام. وقتی بالآخره دهانم باز شد، نفسی کشیدم و با صدای عادی خودم، نه با صدای یک خرگوش وحشت‌زده، به خواهرهایم گفتم: «فقط دست‌انداز ابرها بود.»

۲- Fern

۱- Vonetta

۳- Cassius Clay: کاسیوس کلی، بوکسور معروف آمریکایی که بعد از مسلمان شدن، نامش را به محمدعلی کلی تغییر داد.

۴- Miss Patty Cake